



Review Article

An Examination and Analysis of Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi's Approach to Mahdavi Narratives with an Emphasis on the Book *Al-Maḥāsin*

Seyed Ali Delbari¹

Moslem Kamyab²

Received: 14/05/2023

Accepted: 06/07/2023



Abstract

The necessity of detailed, comprehensive, and coherent research on the previous Shiite sources is very important and superior to the mere descriptive representation of hadith texts. As the first and the oldest remaining source from the beginning of the Minor Occultation, the book *Al-Maḥāsin* authored by Ahmad bin Mohammad bin Khalid al-Barqi, can be explored with the approach of Mahdiyyism. The present article deals with the approach of Barqi in relation to the Mahdavi narratives, through a descriptive-analytical method as well as personality of Ahmad bin Mohammad Barqi and his work. As a result, there are fourteen Mahdavi narratives from the total remaining narratives from the book *Al-Maḥāsin*. These hadiths were taken from the Sheikhs living in Qom and Kufa. Apart from Muhammad bin Ali Kufi known as Abu Samina, his other sheikhs are Thiqa (reliable transmitters of hadiths). The content of his narratives has been expanded with three approaches: waiting (for Imam Mahdi), the age

1. Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. delbari@razavi.ac.ir.

2. Level Four (PhD), Specialized Center for Mahdiyyism, Qom, Iran (corresponding author). moslemkamyab61@gmail.com.

* Delbari, S. A., & Kamyab, M. (1401 AP). An Examination and Analysis of Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi's Approach to Mahdavi Narratives with an Emphasis on the Book "Al-Maḥāsin". *Journal of Mahdavi Society*, 3(6), pp. 142-162. Doi:10.22081/JM.2023.66457.1069.

of reappearance and Imam Mahdi's governance lifestyle (sirah). One of the most important hadiths of his that has been passed down to the later era is his special report of Hazrat Khizr's meeting with Imam Ali in *Al-Mahāsin* and its reflection by specifying the names of the twelve imams in later sources.

Keywords

Mahdiism, Sourceology, *Al-Mahāsin*, Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi.



مقاله علمی - ترویجی

بررسی و تحلیل رویکرد احمد بن محمد بن خالد برقی به روایات مهدوی با تأکید بر کتاب *المحاسن*

مسلم کامیاب^۲

سید علی دلبری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴



چکیده

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و منسجم پیرامون منابع متقدم شیعی، بسیار مهم و متقدم بر صرف بازنمایی توصیفی نوشته‌های حدیثی است. کتاب *المحاسن* اثر احمد بن محمد برقی به عنوان اولین و قدیمی‌ترین منبع برجای مانده از دوران آغازین غیبت صغری می‌تواند با رویکرد مهدویت مورد کاوش قرار گیرد. نوشتار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی ضمن شخصیت‌شناسی احمد بن محمد برقی و اثر وی، به رویکرد برقی نسبت به روایات مهدوی پرداخته است. حاصل آنکه از مجموع روایات برجای مانده از کتاب *المحاسن*، چهارده روایت مهدوی وجود دارد. این روایات از مشایخ قم و کوفه اخذ شده است. به غیر از محمد بن علی کوفی معروف به ابوسمینه، دیگر مشایخ وی ثقه هستند. محتوای روایات وی با سه رویکرد انتظار، عصر ظهور و سیره حکومتی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه گسترش یافته است. از مهم‌ترین احادیث وی که به دوران بعد منتقل شده است گزارش ویژه وی از ملاقات حضرت خضر با امیرالمؤمنین علیه السلام در *المحاسن* و بازتاب آن با تصریح به اسامی امامان دوازده گانه در منابع بعدی است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، منبع‌شناسی، محاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. delbari@razavi.ac.ir
۲. دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران (نویسنده مسئول). moslemkamyab61@gmail.com

* دلبری، سیدعلی؛ کامیاب، مسلم. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل رویکرد احمد بن محمد بن خالد برقی به روایات مهدوی با تأکید بر کتاب *المحاسن*. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۶)، صص ۱۴۲-۱۶۲.

Doi: 10.22081/JM.2023.66457.1069

مقدمه

در کتاب‌های حدیثی روایات فراوانی مرتبط با موضوع مهدویت ثبت شده است که در طول دوران با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. گاهی موارد تنها با جمع‌آوری روایات، معجم‌نگاری‌هایی شکل گرفته است؛ مانند معجم احادیث امام مهدی (کورانی و همکاران، ۱۴۲۸ق). در مواقعی دیگر جهت پاسخگویی به یک مسئله فقهی به بخشی از روایات مهدوی توجه شده است؛ مانند کشف‌التعمیه فی حکم التسمیه که به حکم جواز و عدم جواز نام امام مهدی علیه السلام پرداخته است (حر عاملی، ۱۴۲۵ق). در برخی موارد دیگر برای تحلیل مسائل تاریخی از روایات و گزارش‌های تاریخی مهدوی استفاده شده است؛ مانند موسوعه امام مهدی علیه السلام که در آن روایات فراوانی جهت سامان‌بخشیدن به مباحث تاریخی مورد استناد قرار گرفته است (صدر، ۱۴۱۲ق).

اما امروزه در حوزه مهدویت پژوهش‌های مسئله‌محور و جزئی‌تر ضرورت دو چندان دارد؛ به ویژه که برخی از پژوهشگران معاصر، در حوزه میراث حدیثی شیعه و مهدویت آثاری منتشر کرده‌اند و به دنبال آن به طور عمد یا غیر عمد برداشت‌های غلط و ناصحیح صورت گرفته است.

کتاب المحاسن نوشته احمد بن محمد بن خالد برقی از محدثان شهیر شیعه در قرن سوم هجری یکی از آثاری است که روایات مهدوی را در خود جای داده است که شناخت آموزه مهدویت و تحلیل آن می‌تواند پاره‌ای از داوری‌های نادرست را سامان دهد.

نوشتار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تصویری روشن از روایات مهدوی احمد بن محمد برقی ارائه دهد؛ از این رو می‌تواند مسائل قابل‌طرح شود؛ همچون توجه برقی به روایات مهدوی به چه شکلی است؟ با توجه به کمی بودن وی آیا روایات مهدوی محصول مدرسه قم است یا وی از مکاتب دیگر اخذ حدیث کرده است؟ اساتید وی از چه درجه اعتباری برخوردار هستند؟ محتوای روایات وی محدود به موضوع خاصی است یا از تنوع موضوعی برخوردار است؟ در پایان آیا میراث وی به دوران بعدی منتقل شده است یا خیر؟

گرچه دربارهٔ برقی مقالاتی به نگارش در آمده است؛ مانند «اخراج راویان از قم اقدامی اجتماعی یا اعتقادی» (طالقانی، ۱۳۹۱، صص ۹۲-۱۰۵)؛ «جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم» (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۶۳-۸۱)؛ «وثاقت برقی با تأکید بر مشایخ او در کتاب محاسن» (توحیدلو، ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۶۳)، اما در این آثار به رویکرد مهدویت در المحاسن اشاره نشده است.

۱. شخصیت‌شناسی برقی

احمد بن محمد بن خالد یکی از محدثان شهیر شیعه در قرن سوم هجری است. خاندان برقی اصلتی کوفی داشته که بعد از واقعهٔ زید بن علی بن حسین به ایران در منطقه‌ای به نام بَرَقَه (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۲۰۵) یا برق رود از نواحی قم ساکن شدند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶). مشهورترین افراد این خاندان احمد بن محمد بن خالد و پدر وی محمد بن خالد است. گزارشی دربارهٔ تاریخ ولادت احمد بن محمد وجود ندارد. برخی از پژوهشگران دو احتمال را در این زمینه مطرح کرده‌اند:

۱. تولد بعد از سال ۲۰۰ قمری. دلیل آن کمی روایات بی‌وسطه از ابن ابی عمیر (م ۲۱۸) و بزنتی (م ۲۲۱) و کثرت روایات او از ابن فضال و ابن محبوب (م ۲۲۴).
۲. قبل از سال ۲۰۰ ق، حدود سال ۱۸۶ ق. شیخ طوسی، برقی را از اصحاب امام رضا علیه السلام می‌داند. با توجه به شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ ق می‌توان نقل روایت او را در دوران جوانی از امام رضا علیه السلام پذیرفت. همچنین احمد بن محمد عیسی رئیس محدثان قم در آن دوره بعد از برقی وفات کرده است که او هم جزو اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵). احمد بن محمد بن خالد را از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام برشمرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۱ق، صص ۳۸۳، ۳۷۳). وی زمان امام عسکری علیه السلام و دوران غیبت صغری را نیز درک کرده است. وفات وی را بین سال‌های ۲۷۴-۲۸۰ ق ذکر کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۷).

وثاقت او بین دانشمندان رجال مانند نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶)، طوسی (طوسی، بی‌تا، ص ۵۱) و ابن الغضائری مورد تأیید است (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۳۹). با این وصف

همگان نقل روایات از ضعفا و اعتماد به مراسلات را درباره او تذکر داده‌اند.

از نکات تاریخی دوران حیات احمد بن محمد بن خالد، طرد و اخراج وی توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. اینکه آیا در حقیقت احمد بن محمد بن عیسی اشعری تنها به دلایل نقل برقی از ضعفا چنین واکنشی نشان داد یا اقدام او برخاسته از عوامل اجتماعی-سیاسی آن عصر بوده است محل تأمل و نظر است (طالقانی، ۱۳۹۱، صص ۹۲-۱۰۵). برخی اعتقاد دارند یک جریان فکری مخالف با دیدگاه اشعری شکل گرفت که با اوضاع سیاسی آن دوران قم ناسازگار بوده است که همین زمینه اخراج وی را فراهم کرده است (طالقانی، ۱۳۹۱، صص ۹۲-۱۰۵). برخی دیگر با شواهدی تاریخی و قرائن دیگر، تعلق برقی را به جریان «اهل ادب» دانسته‌اند. اهل ادب بر دبیرانی اطلاق می‌شد که با تسلط بر فنون دیوانی، به ساماندهی تشکیلات اداری در دیوان‌های خراج و قضا اشتغال داشتند. از همین رو تسلط بر دانش‌های ادبی، توانایی در نگارش متون، سخنوری، حسابدانی، آشنایی با هندسه جهت پیمایش املاک برای شناساندن خراج از جمله مهم‌ترین وظایف اهل ادب به شمار می‌آمد. لذا برقی با برپایی جلسات تأدیب کوشید تا دبیرانی خیره را که مسلط بر دانش‌های ادبی و فنون نویسندگی بودند تربیت کند (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۶۳-۸۱). همچنین وی به دنبال علوم و دانش‌هایی گسترده‌تر از فقه و اعتقادات بود و به طیف گسترده‌تری از موضوعات علاقه‌مند بود که از آن تعبیر «ادب عام» دارند؛ از این رو اعتقاد بر این است جریان ادب با رویکرد احمد بن محمد عیسی مخالفت آشکار داشته است (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۶۳-۸۱).

البته احمد بن محمد عیسی پس از مدتی با اظهار ندامت، برقی را به قم بازگرداند و از او عذرخواهی کرد. پس از وفات وی، در تشییع جنازه او با پای برهنه شرکت کرد که بزرگی و عظمت این محدث را می‌رساند (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۳۹).

۲. احادیث مهدوی احمد بن محمد برقی در المحاسن

در بین آثار برقی کتاب المحاسن معروف‌ترین کتاب اوست. المحاسن کتاب بسیار

بزرگ و عظیمی بوده است که به‌عنوان یکی از جوامع حدیثی به‌شمار می‌رفته است. برخی کتاب‌های المحاسن را مشتمل بر نود (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶) الی صد کتاب دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، صص ۵۳-۵۴). این اثر علاوه بر جامعیت کم‌نظیر در احادیث، تا حدی فراتر از دایره احادیث را نیز در بر داشته است. با دقت در عناوین کتاب‌ها، وی به مباحثی مانند رجال، تاریخ، شعر و نجوم نیز اشاره دارد.

در میان کتاب‌های حدیثی معتبر مانند کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه، حدود ۸۳۰ روایت از او نقل شده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۶۶). بر اساس آمار نرم‌افزار «درایة النور» تا دو هزار روایت برای او ثبت شده است. شیخ صدوق در مقدمه من لا یحضره الفقیه، المحاسن را جزء کتاب‌های مشهور، مرجع و قابل اعتنا نزد شیعه ذکر کرده و نیز آن را جزء مدارک کتاب خود قرار داده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴). همچنین مجلسی در مقدمه بحار الانوار آن را جزء منابع معتبر خویش معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷). البته همان‌طور که در ادامه خواهد آمد محدثان قم تمامی روایت وی را نقل نکرده‌اند.

امروزه بخش بزرگی از کتاب‌های المحاسن در دسترس نیست. کتاب‌های القرائن، کتاب ثواب الاعمال، کتاب عقاب الاعمال، کتاب الصفوة و النور و الرحمة، کتاب مصابیح الظلم، کتاب العلل، کتاب السفر، کتاب المآکل، کتاب الماء، کتاب المنافع و کتاب المرافق یازده کتاب باقی‌مانده المحاسن است.

طبق برخی از آمارهای موجود، از قسمت‌های برجای‌مانده، ۲۷۰۹ روایت در المحاسن وجود دارد (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵). در این کتاب فصل و باب خاصی درباره حضرت مهدی علیه السلام گشوده نشده است. با بررسی‌های صورت‌گرفته مجموعه روایات مهدوی در کتاب‌های المحاسن چهارده مورد است. بیشترین آنان در کتاب الصفوة و النور، باب «من مات علی هذا الأمر کان کمن استشهد مع رسول الله» قرار دارد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳). برقی با آنکه در دوره امامان دهم تا دوازدهم می‌زیسته، اما در المحاسن به‌طور کلی روایات اندکی از آنان نقل کرده است. بر همین اساس برقی از امام علی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل روایت دارد.

روایات برقی را می‌توان از دو منظر سندشناسی و محتوایی نگریست:

۱-۲. تحلیل سندشناسی

ابتدا روایات این کتاب با ضمیر «عنه» ذکر شده است که به طور معمول مراد از آن خود مؤلف، احمد بن محمد بن خالد برقی می‌باشد؛ چراکه مرجع ضمیر در صدر باب مشخص شده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۳) و بعد از آن کاتب نسخه یا شاگردی که آن را کتابت می‌کرده، اسم ظاهر احمد بن محمد بن خالد را حذف و به ضمیر تبدیل کرده است.

برقی تمام روایات مهدوی را از مشایخ خود نقل کرده است، اما اسناد آن تا معصوم همگی مسند نیست و روایات مرسل با الفاظ مبهم مانند «عن رجل» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳) و یا «عن بعض اصحابه» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۸) و روایات مرفوعه (با به کارگیری رَفَعَ الحدیث) دیده می‌شود (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۳۳۳). علاوه بر آن برخی از رجال ابتدایی مانند «السندی» به طور کامل نیامده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳)؛ چراکه در بین روایات وی دو فرد یعنی صالح بن سندی یا سندی بن محمد آمده است. چه بسا این راوی نزد مؤلف و محدثان آن روزگار آشنا بوده است یا بعدها نسخ‌نویسان در ثبت آن دقت لازم به خرج نداده‌اند.

فهرست اسناد چهارده گانه نشان از آن دارد که وی از پدر خود محمد بن خالد برقی ۶ روایت (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۸۸، ۱۵۶، ۱۷۳، ۳۲۰، ۳۳۳)، از علی بن الحسن بن فضال ۳ روایت (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳)، از محمد بن علی کوفی ۲ روایت (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۸۷، ۹۰)، از محمد بن عبدالحمید (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۶۱)، صالح بن سندی یا سندی بن محمد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳) و علی بن نعمان (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷۴) هر کدام یک روایت نقل کرده است.

احمد بن محمد برقی بر اساس اسناد، بیشترین احادیث را از پدر خود، محمد بن خالد نقل کرده است. در واقع پدر وی به‌عنوان تأثیرگذارترین محدث در شکل‌گیری احادیث المحاسن نقش داشته است. این فراوانی بر کل کتاب المحاسن حاکم است. در

رتبه بعدی علی بن حسن بن فضال قرار دارد. وی به رغم فطوحی بودنش، ثقه دانسته شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۸).

افراد دیگری مانند محمد بن عبدالحمید سالم کوفی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۹) و علی بن نعمان ثقه دانسته شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۴). طبق گفته شیخ طوسی در الفهرست، برقی در طریق کتاب علی بن نعمان قرار دارد و مسئول نقل میراث وی به دوران بعدی است (طوسی، بی‌تا، ص ۲۸۲). اما جالب آنکه برقی تمامی روایات علی بن نعمان را با واسطه پدر خود نقل کرده است (نک: برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۳۰، ۳۶، ۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۰، ۱۸۶، و ...). احتمال دارد این تک‌روایت مهدوی هم به واسطه پدر گزارش شده است که بعدها در نقل‌ها یا نسخه‌ها خطایی رخ داده باشد و اسم پدر وی افتاده است.

اما محمد بن علی کوفی معروف به ابوسمینه ضعیف و فاسد الاعتقاد خوانده شده (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳) و صالح بن سندی (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۶۹) یا السندی بن محمد مجهول است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۱۷).

در این صورت روشن می‌شود که برقی از ذکر روایت از مشایخی که گرایش‌های ویژه‌ای داشتند یا روایت کتاب‌های محدثان غیر معتمد و یا افراد مجهول و احادیث مرفوع هم ابایی نداشته است؛ زیرا او علاقمند بود سنت‌های مختلف روایی شیعی و امامی را یک‌جا جمع کند. روایت او از برخی محدثان غالی مانند محمد بن علی کوفی ابو سُمینه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۲) که مورد انتقاد جناح‌هایی از امامیه بوده‌اند، نشان از روحیه گشوده‌وی بر سنت‌های روایی و اعتقادی مختلف شیعی دارد؛ افزون بر اینکه حاکی از رویکرد قدما بر وثوق خبری مبتنی بر تجمیع قراین است و اینکه اعتبارسنجی روایات به وثوق مخبری و حالات راویان حدیث منحصر نبوده است.

روایات ابن فضال، علی بن نعمان، محمد بن عبدالحمید و به احتمال روایات محمد بن علی کوفی قبل از هجرت به قم از میراث محدثان کوفه است؛ از این رو برقی با وجود اینکه قمی بوده، بخشی از روایات مهدوی خود را از آن دیار دریافت کرده است. با بررسی برخی از راویانی که وی روایات آن را نقل کرده است، حضور آنان در کوفه و عراق مسلم است و هجرتی برای آنان به قم نقل نشده است؛ به‌عنوان نمونه برقی از

عثمان بن عیسی رواسی قریب به ۱۵۸ روایت نقل کرده است. وی از سران واقفیه بود و بعد از آنکه توبه کرد در خواب دید که در حائر حسینی می‌میرد؛ به همین دلیل از کوفه خارج شد و در حائر حسینی سکونت کرد تا آنکه در آنجا درگذشت و دفن شد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۰).

۲-۲. تحلیل محتوایی

برقی روایاتی را در مورد حجت‌های الهی نقل کرده است؛ مانند عدم پذیرش توبه زمانی که حجت الهی از روی زمین برداشته شدند و قیامت نزدیک شد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۳۶). اما بر اساس کتاب‌های برجای‌مانده از برقی روایات مهدوی به صورت پراکنده در ابواب مختلف ذکر شده است. در کتاب ثواب الاعمال، باب «حب اهل بیت (علیهم‌السلام)» آمده است: «هر که ما را دوست داشته باشد فقط برای دنیا، زمانی که قائم ما قیام نماید عدالت او شامل نیکوکار و تبهکار هر دو می‌شود» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۶۱). در کتاب عقاب الاعمال در باب «حکم مانع الزکات» می‌بینیم که امام ابراز می‌دارد: «در عصر ظهور امام (علیه‌السلام) دو حکم اجرا می‌کند: یکی مرد زناکاریست که زن داشته باشد که او را سنگسار کند و دیگر کسی که زکات مال خود ندهد گردن او زده می‌شود» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۸۷-۸۸). البته ممکن است مراد آن باشد که قائم (علیه‌السلام) بینه و گواه بر زنا و ندادن زکات طلبد و به علم خود حکم جاری سازد؛ چنانکه ظاهر روایت کافی اضافه‌ای دارد که آن جمله «لا یرید علیهما بینه» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۳). باز در همین کتاب در باب «کیفر کسی که حق خاندان پیامبر را انکار کند» حضرت فرمود: «هر کس با ما خاندان دشمنی کند خداوند او را یهودی برمی‌انگیزد. سؤال کردند: ای رسول خدا، این چگونه است؟ فرمود: «برای اینکه اگر او دجال را درک کند به او می‌گردد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۰).

در کتاب الصفوة و النور و الرحمة باب «کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد» امام فرمود: «کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد مرگ او جاهلی است، اما اگر بمیرد و با معرفت باشد تقدیم و تأخیر ظهور به او ضرری نرساند و مانند کسی است که در خیمه

قائم است» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۶). باز در همان کتاب باب «کسی که بر امر اهل بیت علیهم‌السلام بمیرد مانند کسی است که با پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شهادت رسیده است»، با نقل ۶ روایت به صورت متنوع به پاداش کسانی که در راه امر اهل بیت علیهم‌السلام ثابت قدم باشند و منتظر آن حضرت باشند اشاره شده است. در این روایات فضیلت انتظار امام یا حکومت (هذا الامر) به حضور در خیمه قائم علیه‌السلام، همراهی با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شهادت با قائم علیه‌السلام و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشبیه شده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۱۷۳-۱۷۴).

و در نهایت در کتاب العلل از امام صادق علیه‌السلام به تفاوت سیره امام مهدی علیه‌السلام با امام علی علیه‌السلام اشاره می‌کند که امام مهدی علیه‌السلام در مواجهه با مردم بصره، بر اهالی آن دیار سخت خواهد گرفت و گذشت و عفوی در کار نیست (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۲۰) و آخرین گزارش وی، ملاقات حضرت خضر علیه‌السلام با امیرالمومنین علیه‌السلام است که بعد از شنیدن پاسخ سؤالات، خود خضر علیه‌السلام به معرفی و شهادت دادن ائمه طاهرين علیهم‌السلام به‌عنوان وصایای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره می‌کند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۳۲).

با این توصیف می‌توان ابراز داشت که روایات برقی حول محور انتظار، عصر ظهور و سیره حکومتی امام مهدی علیه‌السلام گسترش یافته است. از نکات قابل توجه در این کتاب این است که تمام روایات آن با لقب «قائم» ذکر شده و از واژه «مهدی» روایتی نقل نشده است.

به نظر می‌رسد با دقت در مجموعه روایی و نقل روایات انتظار این برداشت می‌شود که در آن محدثانی مانند برقی در صدد ارزش‌گذاری مسئله انتظار امام بر آمده‌اند تا شیعیان خلأ نبود امام را حس نکرده و بر پایه فضیلت انتظار، امیدوارانه به زندگی خود ادامه دهند؛ به‌عنوان نمونه در روایتی آورده است: «هر کس بر امر انتظار فرج بمیرد مانند کسی است که با قائم علیه‌السلام حاضر بوده و با او شهید شده است» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۱۷۳-۱۷۴). از این روایت و شبیه آن که نیمی از روایات مهدوی برقی را تشکیل می‌دهد، می‌توان فهمید که برقی در صدد زنده نگه‌داشتن جامعه شیعی دوران خود به ویژه قمی‌ها بوده است (نیومن، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

نکته در خور توجه نگاه ویژه برقی به نظام ارزشی دین و تشیع است که بر اثر

حوادث روزگار دچار خدشه شده و دستورات دینی بر روی زمین مانده است. نقل روایات عدالت مهدوی و احکام سنگین فقهی قائم علیه السلام درباره برخی گناهان مانند زنا و عدم پرداخت زکات گواه این رویکرد است. درست بر اساس همین تفکر، برقی در تلاش است که دوران ظهور مهدوی را دوران مبارزه با بدعت بنامد که در کنار آن، به روایات تقابل امام علیه السلام با دشمنان و شدت عمل ایشان اشاره دارد.

تفسیر مذکور در حد یک احتمال باقی می ماند و بیانگر نگاه کامل اوضاع و احوال شیعیان آن دوران نسبت به مسئله امام مهدی علیه السلام نیست؛ چرا که کتاب المحاسن به شکل کامل به دست ما نرسیده و نمی تواند محتوای آن به طور کامل دیدگاه های برقی را در شکل یک منظومه فکری نمایندگی کند.

احتمال دیگر در این باره این است که با تیپ شناسی کتاب المحاسن روشن می شود که این اثر همان طور که ذکر شد در جریان فکری ادب قرار داشته است که در آن دوران محاسن نویسی عنوانی شناخته شده بوده است. اسامی برخی از کتاب های این اثر مانند مکارم الافعال، مذام الافعال، مکارم الاخلاق و مذام الاخلاق نشان می دهد برقی تلاش داشته تا خوبی ها و بدی های افعال و اخلاق را بیان کرده و از این رهگذر هدف تأدیبی خویش را محقق سازد (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۶).

علاوه بر آن با نگاه به ابواب المحاسن که نشان از گستردگی چشمگیر موضوعات این کتاب دارد، به شاخصه ای که در هیچ یک از دیگر جوامع روایی امامیه که بیشتر ناظر به موضوعات اعتقادی و فقهی به رشته تحریر در آمده اند به چشم نمی خورد. بر اساس ترتیب فهرست نگاری ها دفاتر و کتاب هایی مانند «الطب»، «حیوان»، «نجوم»، «الغرائب»، «عجائب»، «تعبیر الرویا»، «انساب الامم»، «الدعابه و المزاج» و «الشعر» در المحاسن وجود دارد که نشان از اهتمام برقی به طیف وسیعی از موضوعات، دانش ها و فنون بوده است (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۶)؛ از این رو می توان به هدف اصلی برقی که همان رویکرد «محاسن نویسی» است اشاره کرد؛ با این وصف نمی توان فهم دقیقی از آموزه مهدویت در آن دوران از کتاب المحاسن برداشت کرد.

گفتنی است یکی دیگر از قرائنی که می تواند به فضای بحث کمک کند روایات

برجای مانده از برقی در منابع دیگر است. این روایات در مجامع روایی مانند الکافی، الغیبة نعمانی، کمال الدین و تمام النعمة، علل الشرایع، دلائل الامامة و رجال کشی بازتاب داده شده است که نگاه انحصاری به مقوله انتظار و معرفت به امام را شکسته و به آموزه‌های دیگری اشاره می‌کند.

برقی در بخشی از روایات خود به ضرورت حجت حیّ در هر دوران اشاره دارد (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۰)؛ آنان بعد از رسول خدا ﷺ دوازده نفر هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲۶)؛ آخرین آنها قائم ﷺ خواهد بود که از نسل امام حسین ﷺ است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۹)؛ برای وی غیبتی است (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۶۱)؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، صص ۲۸۷-۲۸۸، ۳۳۰) که علت آن خوف از قتل است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۱) و یکی از وظایف شیعیان ثابت قدم ماندن در راه اوست (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۳۰).

در امام مهدی ﷺ سنتی از حضرت یوسف علیّه السلام قرار دارد که همان غیبت است و مانند یوسف در بازارها راه می‌رود و بر بساط آنها پا می‌نهد، اما آنها او را نمی‌شناسند (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳۱).

در دوران غیبت او توقیت و تعیین زمان برای ظهور مردود است و اهل بیت علیهم السلام زمانی را برای ظهور تعیین نکرده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۹۴)؛ اما سرانجام با ظهور امام دنیا از عدل و داد پر خواهد شد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، صص ۲۵۹، ۲۸۷) و دین اسلام بر عالمیان سیطره خواهد کرد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۷۰).

در بخشی دیگر برقی روایات تفسیری را گزارش داده است. او با سند خود از امام صادق علیّه السلام از معنای آیه شریفه «الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» پرسش کردم فرمودند: «مقصود از متّقین، شیعه علی علیّه السلام است و مراد از غیب، حجت غائب است» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۸). همچنین درباره آیه «سَيُرَوُّ فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ» فرمود: «یعنی مردم بروند به سوی قائم ما اهل بیت علیهم السلام (که هر کس نزدش برود و مطیع باشد ایمن از گمراهی خواهد بود)» و اینکه می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، یعنی هر کس با او بیعت کند و در سلک پیروان او باشد ایمن است (از ذلت و خواری و تیره‌بختی دنیا و آخرت)» (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۸۹).

۳-۲. تأثیرات حدیث مهدوی برقی بر دوران بعدی

از بین روایات چهارده گانه، برخی روایات مذکور در المحاسن برقی مانند روایت لزوم معرفت امام در الکافی کلینی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱)، سیره امام مهدی علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳) و روایت دجال در ثواب الاعمال (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۳) و رجم زانی محصن و قتل مانع الزکات در کمال الدین و تمام النعمه (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۷۱) از روایان قمی مانند ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسن بن صفار نقل شده است. به نظر می‌رسد مجموعه احادیثی که برقی دست‌مایه نوشتن المحاسن قرار داده است، در سده‌های سوم و چهارم در منطقه قم و ری رایج بوده است؛ بنابراین نویسندگانی چون کلینی و صدوق دستی‌باز برای انتخاب طرق روایات داشتند و می‌توانستند صحیح‌ترین و بی‌اشکال‌ترین طرقی را که می‌شناختند برگزینند؛ از این رو آنان همان روایات برقی را با اسناد اشعری‌ها یا دیگر قمی‌ها به ویژه علی بن ابراهیم و پدرش به کار می‌بردند. کاربرد گاه‌به‌گاه نام برقی در اسناد نیز نشان می‌دهد که آنها به کتاب‌ها و احادیث برقی احاطه و اشراف داشته‌اند و وقتی که سند دیگری در دست نبوده، از اسناد او برای اسناددهی استفاده می‌کردند. در مواردی هم که روایتی از برقی می‌یافتند که در منابع دیگر نبود، آن را ذکر نمی‌کردند (فرجامی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۱)؛ به‌عنوان نمونه برقی در المحاسن نزدیک به ۱۵ خبر از غیاث بن ابراهیم زیدی مذهب ذکر کرده است که ۷ روایت آن را کلینی، صدوق و طوسی آورده‌اند؛ اما در همه موارد روایات را با سندی غیر از احمد بن محمد برقی و پدرش بازگو کرده‌اند. بدین ترتیب نویسندگان قمی ۸ روایت از میان روایات غیاث بن ابراهیم را که در المحاسن آمده است و انهداده‌اند. کلینی و طوسی در ۵ خبر از ۷ روایت ذکر شده، به جای برقی از احمد بن محمد بن عیسی یاد کرده‌اند (مقایسه کنید: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۷۳ با برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۲۹۶، ۳۱۸ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، صص ۴۰۳، ۴۵۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۹۳ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۳۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸۵ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۵۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۹ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۹۱).

گفتنی است که روایات انتظار در متون بعدی تا قرن پنجم ذکر نشده، اما مضمون

آنان با روایات متناظر در کتاب‌های آن دوران همخوانی دارد و روایات شاذ و منفرد در این مجموعه دیده نشد؛ بنابراین روایات برقی بر دوران بعدی تأثیرگذار نبوده است یا دست کم محدثان بعدی از نقل آن خودداری کرده‌اند.

تنها روایتی که در المحاسن ذکر شد و در دوران بعدی بخش‌هایی از آن نقل شده است، همان حدیث معروف خضر می‌باشد که سند روایت چنین است: «عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ رَفَعَ الْحَدِيثَ قَالَ...» برقی این روایت را از پدر خود و او از ابو هاشم جعفری به صورت مرفوعه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

در اینجا بر خلاف دوران بعدی به جای ذکر نام تمامی اهل بیت علیهم السلام تنها به این عبارت اکتفا شده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيَّ مُحَمَّدٍ حَقًّا حَقًّا وَ لَمْ أَزَلْ أَقُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ وَوَصِيَّكَ حَتَّى أَتَى عَلَيَّ آخِرِهِمْ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۳۳).

این روایت در منابع دیگر به شکل کامل و با ذکر اسامی ائمه علیهم السلام از جمله امام مهدی علیه السلام با واسطه برقی نقل شده است: در الکافی کلینی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ الغيبة نعمانی (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۵۸)، شیخ صدوق در منابع متعدد خود (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۹۶؛ ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۵) و طوسی در الغيبة (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۴).

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا برقی تحریری واحد از حدیث خضر داشته است و در دوران بعدی تحولی در روایت شکل گرفته است یا وی دارای تعدد نقل بوده است و تنها نقل کنونی المحاسن به دست دوران بعدی رسیده است؟ به نظر می‌رسد برقی این روایت را به صورت کامل در اختیار داشته است و با توجه به عناوین ابواب مقدار مورد نیاز را ذکر کرده باشد. برقی این گزارش را در باب علل، با هدف بیان علت برخی از مسائل سامان داده است. فقره اول روایت که پاسخ به سؤالات خضر است، متناسب با باب به طور کامل ذکر شده و فقره پایانی آن که به امامان دوازده گانه اشاره دارد، تنها مضمون آن نقل شده است و چه بسا در جایی دیگر که امروزه مفقود می‌باشد متناسب با مسئله امامت نقل کامل آن را آورده است. شاهد آنکه در نقل کلینی با دو نقل مواجه هستیم؛ در نقل دوم محمد بن یحیی از محمد بن

حسن صفار و او از برقی گزارش می‌کند که در آن اسامی کامل آمده است. در این نقل محمد بن یحیی به صفار می‌گوید که دوست داشتم این روایت از غیر جهت برقی نقل شده بود و صفار در پاسخ می‌گوید این حدیث را برقی ده سالی قبل از واقعه حیرت (غیبت) برای من حدیث کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲۷)؛ بنابراین این حدیث در میراث برقی موجود بوده است و صفار آن را به دوران بعدی منتقل کرده است (نک: انصاری، خرداد ۱۴۰۰).

قرینه دیگر آنکه در دوران بعدی، برقی در طریق تعدادی از روایات اثنا عشر وجود دارد که به احتمال از کتاب المحاسن اخذ شده است؛ به عنوان نمونه صدوق در خبری آورده است: از حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: من و برادرم بر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم و آن حضرت مرا بر یک زانو و برادرم را بر زانوی دیگرش نشانید، سپس ما را بوسید و گفت: پدرم به قربان شما دو امام شایسته باد! خدای تعالی شما را از وجود من و پدرتان اختیار کرد و ای حسین! خداوند از صلب تو نه امام برگزید که نهمین آنها قائم ایشان است و همه آنها در فضیلت و منزلت نزد خدای تعالی برابرند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

از این رو نمی‌توان ادعا کرد که برقی با مقوله ائمه دوازده گانه علیهم السلام آشنا نبوده و یا روایات آن را در اختیار نداشته است.

نتیجه گیری

احمد بن محمد بن خالد از محدثان پرآوازه شیعی است که با تدوین کتاب المحاسن شهرتی دوچندان پیدا کرد. برقی در این اثر هر چند اندک به روایات مهدوی اشاره کرده است. این روایات با اقتباس از میراث حدیثی مدرسه قم و کوفه جمع آوری شده است و بخش عمده مشایخ وی توثیق شده‌اند.

محتوای روایات وی با دیگر روایات شیعی که در دوران بعد از او نقل شده است همخوانی دارد و روایات منفرد و شاذ در متن المحاسن به چشم نمی‌آید. گرچه محتوای روایات وی به مسئله انتظار اشاره دارد، اما به دلیل عدم دسترسی کامل به متن کتاب

نمی‌توان آموزه مهدویت آن دوران را در مسئله انتظار منحصر دانست. رویکرد ادیبانه وی که از عناوین ابواب کتاب المحاسن آشکار است مانع ترسیم درست از آموزه مهدویت شده است و بر اساس اسناد برجای مانده، وی موضوعات متنوع دیگری را هم در ثبت خود داشته است.

روایات برقی با آنکه در منابع پسین با تمامی صورت و واژه‌ها نقل نشده است، اما مضامین روایی وی در میراث حدیثی قم دیده می‌شود. گزارش ویژه وی از ملاقات حضرت خضر علیه السلام با امیرالمومنین علیه السلام در المحاسن و بازتاب آن با تصریح به اسامی امامان دوازده گانه علیهم السلام در منابع بعدی از مهم ترین احادیث برقی تلقی می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن الغضائری، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). رجال ابن الغضائری. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. انصاری، حسن. (۱۴۰۰). روایتی درباره نام دوازده امام (حدیث خضر) و یک داوری نادرست درباره احمد برقی. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۷، برگرفته از سایت: <https://ansari.kateban.com/post/4792>
۳. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (محقق: جلال الدین محدث، ج ۱، ۲، چاپ دوم). قم: دار الکتب الإسلامية.
۴. توحیدلو، اکبر. (۱۳۹۴). وثاقت برقی با تأکید بر مشایخ او در کتاب محاسن. فصلنامه علوم حدیث، ۲۰ (۷۸)، صص ۱۴۳-۱۶۳.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۵ق). کشف التعمية فی حکم التسمية (محقق: مهدی فتلاوی، چاپ اول). بیروت: دار الهادی.
۶. خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). معجم رجال الحدیث (۹ جلدی، ج ۲، چاپ اول). قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۷. زرکلی، خیر الدین. (۱۹۸۹م). الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین (ج ۱، چاپ هشتم). بیروت: دار العلم للملایین.
۸. شیرزاد و همکاران. (۱۳۹۶). جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم. مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۳۵، صص ۶۳-۸۱.
۹. صدر، محمد. (۱۴۱۲ق). تاریخ الغيبة الصغری (چاپ اول). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۰. صدوق، علی بن الحسین. (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا (محقق: مهدی لاجوردی، ج ۱). تهران: نشر جهان.
۱۱. صدوق، علی بن الحسین. (۱۳۸۵). علل الشرايع (ج ۱). قم: کتاب فروشی داوری.

۱۲. صدوق، علی بن الحسین. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۲، ۱، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۳. صدوق، علی بن الحسین. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (چاپ دوم). قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۱۴. صدوق، علی بن الحسین. (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طالقانی، سیدحسن. (۱۳۹۱). اخراج راویان از قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی نقدونظر. شماره ۶۷، صص ۹۲-۱۰۵.
۱۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامة. قم: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن. (بی تا). الفهرست. نجف: المكتبة المرتضوية.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۱ق). رجال. نجف: انتشارات حیدریه.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (محقق: حسن خرسان، ج ۴، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة (محقق: عباد الله تهرانی، علی احمد ناصح، چاپ اول). قم: دار المعارف الإسلامیة.
۲۱. فرجانی، اعظم. (۱۳۹۴). زبده و حدیث امامیه. قم: انتشارات دار الحدیث.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۳، ۵، ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. کورانی و همکاران. (۱۴۲۸ق). معجم الأحادیث الإمام المهدی (چاپ دوم). قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة (محقق: علی اکبر غفاری). تهران: مکتبة الصدوق.

۲۷. نیومن، آندرو جی. (۱۳۸۶). دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد. قم: انتشارات شیعه شناسی.



References

* The Holy Quran

1. Ansari, H. (1400 AP). *A narration about the names of the twelve Imams (Khidr Hadith) and a false judgment about Ahmad Barqi*. From: <https://ansari.kateban.com/post/4792>. [In Persian]
2. Barqi, A. (1371 AH). *Al-Mahasen* (Muhaddith, J, Vols. 1 & 2, 2nd ed.). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Arabic]
3. Farjami, A. (1394 AP). *Zaidiyyah va Hadith Imamiyyah*. Qom: Dar Hadith Publications. [In Persian]
4. Hor Ameli, M. (1425 AH). *Kashf al-Ta'amiya fi Hukm al-Tasmiya* (M. Fatlawi, 1st ed.). Beirut: Dar al-Hadi. [In Arabic]
5. Ibn al-Ghazaeri, A. (1364 AH). *Rijal Ibn al-Ghazaeri*. Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
6. Khoei, A. (1410 AH). *Mujam Rijal al-Hadith* (Vols, 2 & 9, 1st ed.). Qom: Center for the publication of Shia works. [In Arabic]
7. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vols. 1, 3, 5, 6). Tehran: Darul Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
8. Kurani et al. (1428 AH). *Al-Ahadith Al-Imam al-Mahdi* (2nd ed.). Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Arabic]
9. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 1, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
10. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal*. Qom: Teachers Society Publications. [In Arabic]
11. Newman, A. (1386 AP). *The formation period of Twelve Imam Shiism; Hadith discourse between Qom and Baghdad*. Qom: Shia Studies Publications. [In Persian]
12. Nomani, M. (1397 AH). *Al-Ghaibah* (A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Maktabah Al Sadouq. [In Arabic]
13. Sadouq, A. (1378 AH). *Oyoun Akhbar al-Reza* (M. Lajevardi, Vol. 1). Tehran: Jahan Publications. [In Arabic]

14. Sadouq, A. (1385 AP). *Ilal al-Shara'e* (Vol. 1). Qom: Davari Bookstore. [In Persian]
15. Sadouq, A. (1395 AH). *Kamal al-Din va Tammam al-Na'ama* (A. A. Ghafari, vol. 2, 1, 2nd ed.). Tehran: Islamiya Publications. [In Arabic]
16. Sadouq, A. (1406 AH). *Thawab al-A'aml va Iqab al-A'amal* (2nd ed.). Qom: Dar al-Sharif al-Razi Publications. [In Arabic]
17. Sadouq, A. (1413 AH) *Man La Yahdaroh Al-Faqih* (A. A. Ghafari, Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic]
18. Sadr, M. (1412 AH). *Tarikh al-Ghaibah al-Sughra* (1st ed.). Beirut: Dar Al-Ta'aruf le al-Matbu'at. [In Arabic]
19. Shirzad et al. (1396 AP). The thought process of politeness and rereading the reasons for the expulsion and return of Ahmed Barqi to Qom. *Journal of Quran and Hadith Research*, 35, pp. 63-81. [In Persian]
20. Tabari Amoli Saghir, M. (1413 AH). *Dala'il al-Imamah*. Qom: Ghism al-Dirasat al-Islamiya Mu'sisah al-Ba'atha. [In Arabic]
21. Taleghani, S. H. (1391 AP). Expulsion of narrators from Qom; A religious or social act. *Journal of Naqd va Nazar*. 67, pp. 92-105. [In Persian]
22. Tohidloo, A. (1394 AP). Withaghat Barqi with an emphasis on his Sheikhs in the book Mahasin. *Journal of Hadith Sciences*, 20(78), pp. 143-163. [In Persian]
23. Tousei, M. (1407 AH). *Tahzeeb Al-Ahkam* (H. Khersan, Vol. 4, 4th ed.). Tehran: Dar Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
24. Tousei, M. (1411 AH). *Al-Ghaibah* (E. Tehrani., & A. A. Naseh, 1st ed.). Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
25. Tusi, M. (1381 AH). *Rijal*. Najaf: Heydarieh Publications. [In Arabic]
26. Tusi, M. (n.d.). *Al-Fihrist*. Najaf: Al-Maktabah al-Mortazawiyah.
27. Zarkali, K. (1989). *Al-Alam Qamous Tarajim le Ashhar al-Rijal va al-Nisa' min al-Arab va al-Muta'arebin va al-Mustashriqin* (Vol. 1, 8th ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.